

مطالعه تحلیلی سبک و آداب مناظره در سیره امام رضا (علیه السلام)

زهرا حسنونند^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ زهرا حسنونند، فارغ التحصیل سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته کلام، مدرّس حوزه های علمیه خرم آباد و نورآباد
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)
^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

یکی از اهداف مهم انبیا و جانشینان آنها در طول تاریخ که قرآن کریم هم به آن تأکید می کند، دعوت به توحید و حل و فصل اختلافات دینی بوده است، در این راستا، مناظره یکی از شیوه های مرسوم تبلیغی در میان پیامبران و اولیای الهی برای دعوت به توحید و کنار گذاشتن اختلافات، جنگ ها و نزاع ها بوده است، آنچه بر اهمیت موضوع مناظره می افزاید وضعیت موجود در جامعه امروزی است، با توجه تنیش های موجود در دنیای اسلام، که از سوی قدرت های بزرگ دامن زده می شود، ضرورت مناظره بر سبک مناظره که پیش وایان دین و آیاتی از قرآن که از آن به جدال احسن یاد می کند بشتر احساس می شود، این روش سابقه طولانی در ادیان مختلف، در میان انبیاء داشته و تا دوره جانشینان آن ها ادامه داشته و در عصر امام رضا (ع) به اوج خود می رسد و امام رضا (ع) با استفاده از آیات قرآن، سیره نبوی و به کار گیری از استدلالات عقلی و نقلی که بر قوه عقل، تدبر و منطق استوار می باشد، در مناظرات گوناگون، بر مخالفین پیروز شده و آنها تحت تأثیر استدلال های متین امام قرار می گرفتند، به گونه ای که در همان جلسه تسلیم حق می شدند.

واژه های کلیدی: سبک، مناظره، انواع مناظره، مناظره های امام رضا (ع).

مقدمه

از روش های مهم رهبران دینی، برای تبلیغ دین مناظره و گفت و گو بوده است این روش در تاریخ ادیان، دارای سابقه طولانی بوده و در معارف دینی اسلام از آن به عنوان جدال احسن یاد شده است، در قرآن در آیات متعددی بر استدلال و مناظره تأکید شده است، «ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجدلهم بالتي هی احسن» (نحل/۱۲۵) یعنی با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن، از آنجا که انسان بواسطه عقل می تواند بسیاری از خوبی ها و بدی های اشیاء را درک کند، مناظره مبتنی بر براهین عقلی هم می تواند بهترین سبک دعوت به سمت خدا شناسی، نبوت و معاد شناسی باشد، بنا بر این می بینیم که بر خورد انبیا الهی و جانشینان آنها با پیروان مکتب های دیگر قبل از هر چیز با منطق عقل و استدلال بوده است، مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان در توضیح جدال احسن به عنوان بهترین سبک در مناظره این گونه مرقوم می دارد: جدال احسن روشی همراه با نرمی و وقار و سکینه و همراه با نصرت حق با حجت است؛ همانگونه که خداوند به حضرت موسی (ع) پیش از اینکه به جدال و بحث با فرعون وارد شود، دستور می دهد که با وی به نرمی سخن بگوید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۴۴) پس به نرمی با او سخن بگوئید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد، همین سبک و روش هم در سیره امام رضا (ع) هم دیده می شود، به گونه که کیفیت برخورد آن حضرت با مخالفین و پیروان مکاتب مختلف الهام بخش و آموزنده است؛ ایشان با قدرت علمی و منطق قوی که داشتن از رو یاروی مکاتب مختلف هیچ گونه ترس و واهمه نداشتند و در مناظره ها، برای مخالفین که حتی به خدا و مکتب انبیا اعتقاد نداشتند آزادی کامل می دادند تا عقاید شان را بیان کرده و پاسخ بشنوند، درضمن ایشان با رعایت انصاف، همواره بر روح آزادمنشی، گشاده رویی و وسعت نظر دین اسلام تأکید داشتند و با بحث ها و گفت گوی عقلانی و منطقی حقیقت اسلام و تعلیمات آن را برای مخالفین، تبیین و آشکار می کردند، به گونه که مخالفین در همان مجلس مناظره تحت تأثیر حقیقت و منطق اسلام قرار می گرفتند، اگر امروزه هم همین سنت در گفت گو و مناظره ها تعقیب شود و حقیقت اسلام به خوبی تبیین گردد، فطرت های پاک زیادی وجود دارد که تحت تأثیر حقیقت اسلام و تعلیمات ناب او قرار گیرند، زیرا امروزه جهان تشنه شنیدن پیام اسلام ناب است.

(۱) مفهوم شناسی

برای فهم دقیق تنقیح مناط و بررسی مفهوم آن، لازم به نظر می رسد، که به صورت مختصر توضیح داده شود.

(۱-۱) سبک در لغت

واژه ی سبک عربی بوده و از ریشه ی «سَبَكَ» به معنی «ذوب کردن و در قالب ریختن» (فراهید، ۱۴۰۵، ص ۱۷۰، ابن منظور، ۱۹۹۵، ذیل واژه سبک) می باشد، در ادبیات فارسی و عربی تعبیرهای «طرز، اسلوب، روش، سیاق و نمط» از مترادفات سبک شناخته شده است در زبان فارسی اصطلاح سبک شناسی را نخستین بار محمد تقی بهار برای عنوان کتاب خود سبک شناسی به کار برد.

(۱-۲) سبک در اصطلاح

سبک عبارت است از روش خاص ادراک، و بیان افکار به وسیله چنیش کلمات، انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است. (دهخدا، بی تا، ذیل واژه سبک)

(۱-۳) مناظره در لغت

اصطلاح «مناظره» واژه ای عربی و از ریشه نظر (دیدن با چشم) است، صاحب «مقایس اللغة» ضمن اشاره به این معنا می افزاید که واژه «نظر» توسعه معنایی یافته و به معنای تدبر و تفکر در یک امر نیز به کار رفته است، (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۲) در لغت نامه دهخدا، واژه «مناظره» به معنای با هم نظر کردن، فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی و با هم بحث کردن است. دهخدا معادل فارسی این واژه مناظره را «بحث و گفتگو کردن در باره حقیقت و ماهیت شی» قرار داده است. (دهخدا، بی تا، ذیل واژه مناظره) طبق این کتاب، «مناظره» از روی بصیرت و برای اظهار صواب است در باب نسبت موجود میان دو چیز. بنا بر این مناظره عبارت از توجه دو طرف بحث به اثبات نظر خود درباره حکمی از احکام و نسبتی از نسبتها برای اظهار و روشن کردن حق و صواب است.

(۱-۴) مناظره در اصطلاح

در اصطلاح، مناظره نوعی گفتگو است که در آن دو طرف گفتگو می کوشند با بهره گیری از اصول پذیرفته شده، دیدگاه خود را اثبات و بطلان عقیده طرف مقابل را آشکار کنند؛ به وجهی که وی نتواند آن را انکار کند. این امر به درستی در مناظره های امام با نمایندگان ادیان و فرق آشکار است. در مناظره، طرفین به زیبایی سبک و اختصار در کلام اهتمام دارند و می کوشند تا عبارتهای آنان بیشترین معنای ممکن را به دوش کشد. بی شک مناظرات در تنوع فرهنگی و ترویج روح گفتگو بین علما مؤثر بوده است به که همواره مناظرات بین دو شخص یا بین تعدادی از افراد برگزار می شده است. (آذر شب، ۱۳۸۲، ۲۰۵)

و یا در جای دیگر آمده است که مناظره در اصطلاح، مانند جدال و مناقشه از فنون کلامی می باشد، که هر یک از دو طرف گفت گو تلاش می کنند، که با استفاده از مقدمات مسلم و پذیرفته شده از سوی طرف مقابل به گونه ای نقض آن دشوار باشد، هدف خود را اثبات کند. (شهید ثانی، ۹۵۴، صص، ۱۱۴، ۱۱۱)

می شود گفت که مناظره، ابزاری اقناعی در ارتباطات میان فردی با ماهیت تعاملی است که در بیشتر اوقات به سمت تبدیلی شدن نیز سوق می یابد، به نظر می رسد در دیدگاه امامان معصوم (علیهم السلام)، اقناع به منزله بروز تغییر اندیشه و روانه، آگاهانه و اختیاری در مخاطب است و ائمه هدی (علیهم السلام) دیدی انسانی در جهت مصالح مخاطب به وی داشته اند. (سپنجی، ۱۳۹۰، صص، ۲۲، ۲۴)

بنا بر این هدف اصلی از مناظره آن است که دو طرف گفت‌وگو، به یاری یکدیگر، تلاش می‌کنند که به کشف حقیقت نایل آیند و مشکلی را بگشایند.

۲) انواع و اقسام مناظره

هانطور که گذشت در مناظره اهداف مختلفی دنبال می‌شود؛ گاه هدف از مناظره اثبات حق است و گاهی مراد از آن اسکات خصم است؛ و گاهی هم می‌تواند هدف از آن نه اثبات و نه اسکات بلکه آموزش باشد، بنابراین، مناظره کننده باید با مقصد و هدف مخاطب در مناظره آشنایی کامل داشته باشد، در این قسمت، به بیان اقسام مناظره به صورت مختصر اشاره کرده و بهترین و مناسب ترین آنرا مشخص بر می‌گزیده می‌شود، در منطق ارسطوی مناظره به پنج قسم تقسیم می‌شود.

۲-۱) مناظره جدلی

این نوعی از مناظره عمدتاً به دو بخش تقسیم می‌شود، جدال مثبت و به حق که مورد تأکید قرآن است و در آن بحث های منطقی و گفتگو برای تبیین مسایل و توضیح حقایق و آگاهی از نقطه نظرهای یکدیگر و رسیدن به واقعیات مورد نظر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۸۸) و جدال منفی (گفتگوی لجاجت آمیز) یا جدال به باطل که با بحث های پرخاشگرانه و ستیزه جویانه، هدف صحیح و مطلوب دنبال نمی‌شود، و اینگونه مناظره ها در مسیر روشن شدن حقایق نیست بلکه هدف از آن اعمال خصومت یا تعصب و لجاج و برتری جویی و خودنمایی و اظهار فضل در برابر دیگران است (مکارم، شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۲۸).

لذا باید توجه داشت که مناظره یا مجادله اگر در مسیر حق و متکی به منطق و برای تبیین واقعیتهای و ارشاد افراد بی خبر بوده باشد ممدوح است، و اگر متکی به دلائل واهی، و ناشی از تعصب و جهل و غرور، و به منظور اغفال این و آن صورت گیرد مذموم است.

مرحوم مظفر در کتاب المنطق می‌فرماید: «ان الجدل لغه هو اللد و اللجاج فی الخصومة بالكلام مقارنا غالباً لاستعمال الحيلة الخارجة احياناً عن العد و الانصاف و لذا نهت الشريعة الاسلامية عن المجادلة لا سيما في الحج و الاعتكاف» (مظفر، ۱۳۶۸، ۳۳۱) و يمكن التعريف بعبارة اخرى: الجدل صناعة تمكن الانسان من اقامة الحجج المولفة من المسلمين او من ردها حسب الارادة و من الاحتراز عن لزوم المناقضة في المحافظة على الوضع» (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۵۳۳)

یعنی جدل در لغت به معنی ستیزه و لجاجت ورزیدن در خصومت کلامی است که غالباً همراه با به کارگیری نیرنگ و حيله بوده و در بعضی موارد بیرون از دایره عدل و انصاف است و به همین خاطر شریعت اسلامی از مجادله به خصوص هنگام حج و اعتکاف نهی کرده است. ولی در اصطلاح صنعتی است که انسان را بر اقامه ادله تشکیل شده از **مسلمات** یا رد آنها طبق خواست خودش قادر می سازد و نیز به او این قدرت را می دهد که به گونه ای از وضع خود دفاع کند که نقضی بر او وارد نشود، در مجموع جدال بر سه قسم، تقسیم می باشد: الف-جدال غیر احسن (باطل) ب-جدال حسن ج-جدال احسن که از منظر قرآن، تنها جدال احسن مورد تایید می باشد «و جادلهم بالتی هی أحسن» (نحل/۱۲۵) و با آنها به روشی که نیکوتر است، جدال و مناظره کن.

۲-۲) مناظره خطابی

مناظره خطابی مناظره ای است که در آن از **قضایای اقناعی** استفاده می شود. شیخ محمد رضا مظفر رحمه الله می فرماید: انها صناعة علمیه بسببها یمکن اقناع الجمهور فی الامر الذی یتوقع حصول التصدیق به بقدر الامکان. (مظفر، ۱۳۶۸، ۳۶۹) خطابه صنعتی است علمی که به سبب آن می توان عموم مردم را در امری که توقع حصول تصدیق به آن است، به مقدار امکان قانع نمود.

همچنین خواجه نصیر الدین طوسی در ذیل آیه شریفه «ادع إلى سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظۃ الحسنۃ و جادلهم بالتی هی أحسن» (نحل/۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آن ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن، نقل کرده است که مقصود از حکمت، برهان می باشد و مراد از موعظه حسنه، خطابه، و مقصود از «جادلهم» جدل است. (طوسی، ۱۳۷۱، ۴۳۰)

بنا بر این از این سه نوع مناظره، به جز جدال غیر احسن، که مطلوب و مورد تأیید شرع و عقل نمی باشد، دو قسم دیگر مورد تأیید شارع است.

۲-۳) مناظره شعری

شعر در علم منطق، سخنی خیال انگیز است که سبب تأثیر روحی دل خواه در مخاطب می شود شعر در منطق یکی از صنعت های پنج گانه است که در این تعریف منطقی، سخن جنس آن و خیال انگیز بودن فصل آن است و با تعریف شعر در ادبیات اندکی تفاوت دارد. در شعر منطقی وزن و قافیه و سایر شرایط ادبی ضرورت ندارد، از این رو اگر سخنی وزن و قافیه

داشته باشد اما از جنبه تخیل تهی باشد، از نظر منطق شعر محسوب نمی‌شود، از این رو برانگیختن قوه تخیل شرط اصلی شعر در منطق است. (عالمی، ۱۳۸۹، ۳۰)

بنا بر این مناظره شعری مناظره ای است که مناظره کننده برای تأثیرگذاری بر عواطف مردم از شعر بهره می برد، مرحوم مظفر در تعریف شعر می گوید: «انه کلام مخیل مولف من اقوال موزونه متساویه و مقفاه» (مظفر، ۱۳۶۸، ۴۰۵) شعر کلامی است خیال انگیز، مرکب از عباراتی موزون، برابر و قافیه دار.

۴-۲) مناظره مغالطه ای

مغالطه و سفسطه آن است که انسان از قیاس هایی که شبیه برهان اند، برای محکوم کردن خصم خود استفاده کند؛ در حالی که آن را در واقع نمی توان برهانی نامید؛ زیرا یا در شکل و صورت قیاس اشکال وجود دارد، یا از نظر ماده مشکل وجود دارد و مغالطه کننده از ترفندها و تاکتیک هایی استفاده می کند تا به هرنحو ممکن بر حریف غالب آید.

مرحوم مظفر می گوید: «المغالطه: کل قیاس نتیجتہ تکنون نقضا لوضع من الاوضاع یسمی باصطلاح المنطقیین تبکیتا باعتبار انه تبکیت لصاحب ذلک الوضع» (مظفر، ۱۳۶۸، ۴۱۹) هر قیاسی که نتیجه آن نقض یک وضع باشد در اصطلاح منطق دانان تبکیت نامیده می شود؛ زیرا آن قیاسی صاحب آن اعتقاد را مغلوب کرده و شکست می دهد.

۵-۲) مناظره برهانی

برهان، قیاسی است که مقدمات آن منحصرأ از قضایای یقینی یا یقینیات (محسوسات، تجربیات، اولیات و متواترات) یا از قضایایی که در تحلیل منتهی به یقینیات شود، تألیف شده باشد، بنابراین قیاس برهانی، قیاسی است که هم صورت و هم ماده آن هر دو در نهایت اتقان است، بنابراین نتیجه اش کاملاً قابل اعتماد است و در آن مجال تشکیک نیست. (عالمی، ۱۳۸۹، ص ۲۸)

بنا بر این مناظره برهانی به مناظره ای اطلاق می شود که یا مقدمات استدلال در آن، از مقدمات یقینی تشکیل شده باشند، مثل (اولیات، محسوسات، متواترات و تجربیات) و یا اینکه مقدمات آن یقینی نیستند، اما به مقدمات یقینی منتهی می شوند، مثل (فطریات و حدسیات) و از مهم ترین نوع مناظره و گفتگو ها همین مناظره برهانی است؛ زیرا مناظره کننده در آن می تواند با بهره گیری از ادله متقن و مبرهن، در جهت اثبات حق زودتر به نتیجه برسد؛ چون مقدمات آن یقینی می باشد.

(۳) سبک مناظره ای امام رضا(ع)

مناظرات امام رضا (ع) همواره با ادبیات ادبیات مسالمت آمیز و استدلال عقلی، منطقی و نقلی همراه بوده است، که در این قسمت به صورت مختصر به چند نمونه آن اشاره می شود.

(۳-۱) سبک عقلی

عقل و استدلال های عقلی در اسلام جایگاه ویژه ای دارد و حتی یکی از منابع احکام فقهی به شمار می رود. این مهم در سیره معصومان، به ویژه در مناظرات، اهمیت فراوانی داشت. مقصود از روش عقلی این است که برای تبیین و اثبات آموزه های اعتقادی و دفاع از آنها از تفکر عقلی استفاده شود. پیش فرض این روش آن است که متکلم عقل را به منزله ابزاری مستقل برای کسب معرفت بشناسد؛ یعنی از نظر معرفت شناسی توانایی عقلی را در کسب معرفت بپذیرد، و از جنبه شرعی نیز به حجیت عقل معتقد باشد

بر این اساس حس گرایان و ظاهر گرایان، روش عقلی را در الهیات و کلام قبول ندارند. در جهان اسلام، اهل حدیث از اهل سنت و اخباری های شیعه به روش تفکر عقلی در علم کلام و دین پژوهی اعتقاد نداشته اند. آنان تأویل ظواهر دینی را نیز مجاز نمی دانند. گروهی از اهل حدیث در این باره راه افراط را برگزیده، در جمود بر ظواهر آیات و روایات تا آنجا پیش رفتند که به تجسیم و تشبیه گراییدند، و گروهی دیگر، راه توقف و تفویض را برگزیدند و فهم این گونه ظواهر را به شارع واگذاشتند، (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۲)

امامان بزرگوار ما در مناظرات رودرروی خود (که همین ارتباط چهره به چهره نیز در موفقیت مناظرات مؤثر بود)، با بهره گیری مناسب از واژگان رسا، بلیغ و فاقد معانی چندپهلوی و نیز با بهره گیری از استعاره و تمثیل، استدلال خود را روشن کرده و با قابلیت فهم فراگیر مطرح می کردند. این نکته درخور تأمل است که با وجود آنکه اشکالات و شبهات مطرح از جانب مدعیان، در ظاهر زیرکانه و عالمانه جلوه می کرد، اما وقتی با پاسخ های محکم امام روبه رو می شد، بنیاد آن فرو می ریخت؛ آن هم با بیانی که برای بسیاری از مردم قابل فهم و درک بود. از رهگذر این مناظرات، اسلام حقیقی به جویندگان آن نشان داده می شد.

در برخی از موارد امام رضا (ع) از حصر عقلی استفاده کرده است، حصر عقلی آنست که جواب از قضیه ای به استدلال عقلانی از چند حالت معین خارج نباشد و مخاطب ملزم به پذیرش یکی از حالت ها می باشد، در حالی که پذیرش هر یک از از آنها به شکست مخالف می انجامد، امام رضا (ع) در مناظره با بزرگان ادیان، چندین مرتبه از این روش استفاده کرده است، به عنوان مثال، زمان که اسم پیامبر اکرم (ص) را از انجیل می خواندند به جابلیق می فرماید: «حال چه می گویی؟ ای نصرانی این گفتار حضرت مسیح (ع) است، اگر مطالب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی را تکذیب کرده ای و اگر این مطلب را

منکر شوی، قتل واجب است، زیرا به خداوند متعال و پیامبر و کتابت کافر شده ای» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵۸) امام در این مناظره جاثلیق را در یک دو راهی پذیرش و یا تکذیب سخن حضرت عیسی قرار می دهد، که پذیرش راه اول منتهی به پذیرش نبوت حضرت محمد (ص) می شود، زیرا آن دو پیامبر این کلام را در کتاب های شان آورده اند و تکذیب آنها هم منجر به حکم به کفر جاثلیق می شود، می بینیم که جاثلیق راه اول را انتخاب می کند و می گوید من مطلبی را که در انجیل برایم روشن شود انکار نمی کنم، بلکه بدان باور دارم» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵۸) به این ترتیب به درستی نام پیامبر اکرم (ص) در انجیل اعتراف می کند.

امام رضا (علیه السلام) در مناظره ای برای اثبات وجود خدا با استفاده از استدلال های عقلی به خوبی از عهده این امر برآمده اند: در مناظره توحید، امام رضا (علیه السلام) با شخصی بحث می کند که وجود خداوند را انکار می کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۸) در آغاز گفت و گو، امام رضا (علیه السلام) استدلالی در خصوص عقلانیت باور به وجود خدا مطرح می کند. شخص منکر وجود خدا، پاسخی به این پرسش نمی دهد و اشکالات مختلفی را درباره وجود خدا مطرح می کند. امام رضا (ع) ضمن پاسخ به اشکالات وی، دو استدلال دیگر هم بر وجود خدا ارائه می دهد. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۰) به گفته روایت کننده حدیث، این شخص در پایان به وجود خدا ایمان می آورد.

در این مناظره، امام رضا (ع) سه استدلال در خصوص وجود خدا مطرح کرده است: یکی در آغاز بحث و دو تای دیگر، در میان پرسش ها و پاسخ هایی که بین او و شخص منکر وجود خدا مطرح می شود. این سه استدلال به شرح زیر است:

الف) اگر خدایی وجود نداشته باشد، پس از مرگ، وضعیت کافرن و مؤمنان یکسان خواهد بود؛ اما اگر خدایی باشد، کافران به جهنم خواهند رفت و مؤمنان به بهشت. (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۷۸)

ب) با توجه به جسم خودمان، می بینیم نمی توانیم چیزی از آن بکاهیم یا به آن بیفزاییم. همچنین خوشی ها و ناخوشی هایی بر ما عارض می شود که خود توان دور کردن یا به دست آوردنشان را نداریم. از این مسئله پی می بریم که ساختمان بدن سازنده ای دارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۷۸)

ج) گردش آسمان ها، پیدایش ابر و باد و حرکت خورشید و ماه و ستارگان و دیگر نشانه های عجیب و محکم، نشان دهنده این است که کسی هست که این ها را آفریده است. (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱)

در مناظره امام رضا (ع) درباره توحید، شخص منکر وجود خدا، پس از هریک از استدلال های امام رضا (علیه السلام) بر وجود خدا، اشکالاتی مطرح می کند که امام رضا (ع) به یک یکشان پاسخ می دهد. از جمله می پرسد: اگر خدا هست، چگونه وجود

دارد؟ خدا کجاست؟ از چه زمانی بوده است؟ اگر هست، چرا دیده نمی‌شود؟ همچنین اشکال می‌کند که اگر خدا سمیع و بصیر باشد، لازم است که گوش و چشم داشته باشد. (طبرسی، ۱۴۰۳، ص، ۳۹۶-۳۹۷).

امام رضا(ع) پاسخ می‌دهد خدا خالق کیفیت (چگونگی) و مکان است. پس در هیچ مکانی نیست و کیفیت در وجود او راه ندارد. همچنین هیچ زمانی نبوده که وجود نداشته باشد. بنابراین نمی‌توان گفت خدا چه زمانی به وجود آمده است. دلیل دیدنی نبودن خدا نیز این است که اولاً فرقی میان خالق و مخلوق باشد و ثانیاً خدا بزرگ‌تر از آن است که با چشم دیده شود یا با عقل و خیال فهم شود. (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۳۹۶)

سمیع و بصیر بودن خداوند هم مانند بینا و شنوا بودن مخلوقات نیست که نیاز به گوش و چشم داشته باشد؛ بلکه از آن‌رو به خدا شنوا می‌گویند که هر صدایی را در آسمان و زمین، چه کوچک و چه بزرگ می‌شنود. نیز از آن‌رو به او بینا می‌گویند که هر چیزی را می‌بیند؛ حتی جای پای مورچه‌ای سیاه را در شب تار بر روی سنگ سیاه.

۲-۳) سبک نقلی

یکی از ویژگی های مهم مناظرات، به کارگیری روش نقلی و استناد و استدلال به آیات قرآن و سیره و سخن پیامبر(صلی الله علیه و آله) بود. آیات قرآن، به دلیل قطعیت آن، جایگاه ویژه ای در میان مسلمانان دارد و امامان معصوم در مسائل مختلف بدان استناد می‌کردند و آن را به عنوان یک اصل مهم و اساسی در زندگی، به ویژه در ارتباط با دیگران، به کار می‌گرفتند و مخالفت با آن را بر نمی‌تافتند.

سیره و سخن رسول خدا (ص) به دلیل الگو بودن آن حضرت و تأکید قرآن، «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» (احزاب/۲۱)؛ جایگاه والایی نزد مسلمانان، به ویژه معصومان داشته است و اهتمام خاصی برای تبیین و تعلیم و استناد بدان بوده است. این مهم در مناظره ها و گفت و گوهای علمی و اعتقادی اهمیت ویژه ای داشت. (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

با توجه به محاجه طرف های امام(ع)، نقل قول های ایشان متفاوت است. طبیعی است که در محاجه با مسلمانان غیر شیعه، امام(علیه السلام) از سر آموزش به شاگردان خود، استناد به آیات قرآن و احادیث پیامبر(ص) را در اولویت می‌گذاشتند؛ اما با نمایندگان دیگر ادیان یا منکران خداوند، به ادله عقلی استناد می‌جستند. بنابر این، بیشترین نقل قول های امام(ع) از آیات قرآن است؛ به ویژه در مقایسه با امام رضا(ع) که با نمایندگان ادیان ابراهیمی مناظرات بیشتری داشته و لذا به کتب آسمانی آنها استناد بیشتری می‌کردند. (مجیدی، ۱۳۹۶، ص ۸۹)

امام صادق (ع) در مناظره با نمایندگان دیگر فرق، بیشتر به کتاب آسمانی مسلمانان استناد داده اند؛ یا اگر غیر مسلمانانی برای تخطئه آیات قرآن، برخی فرازهای کلام الهی را مورد استفاده قرار می دادند، امام (ع) با ادله عقلی و نقلی یا استناد به دیگر آیات، پاسخ آنها را می دادند. برای مثال، وقتی زندیقی این آیه را «ان الله على العرش استوى» (طه/ ۵) خدای رحمان بر عرش استیلا دارد، دال بر مکان مند بودن خدا می دانست، امام به این آیه «وسع كرسيه السماوات و الارض» (بقره/ ۲۵۵) استناد کردند که: «کرسی او آسمان ها و زمین را در بردارد. یا برای تفسیر آیه «لاتدرکه الابصار و هو يدركه الابصار و هو الطيف الخبير» (انعام/ ۱۰۳) چشم ها او را نمی بینند و او بینندگان را می بیند، برای توضیح مفهوم بصر که به معنای فهم است، آیه ۱۰۴ سورة انعام توضیح می دهد: از سوی پروردگارتان برای شما نشانه های روشن آمد، که به وسیله آن حق را می شود ببیند. قرآن کتابی است که خدا برای هدایت انسان ها فرستاده است. به همین جهت امامان ما هم قرآن را محور قرار داده اند امام رضا (ع) نیز در مناظرات و احتجاجات خود از قرآن بهره کافی برده و آن را محور قرار داده اند.

از جمله در مناظره با ابوقره می بینیم، هنگامی که ابوقره یک روایت را به عنوان شاهد آورد، حضرت آن را قبول نکرد و آیاتی از قرآن را برای او خواند. ابوقره از حضرت پرسید: بنابراین، شما این حدیث را تکذیب می کنی و قبول نداری؟ حضرت در جواب فرمودند:

«إذا كانت الرواية مخالفة للقرآن كذبتها و ما اجمع المسلمون عليه انه لا يحاط به علما و لا تدرکه الابصار و ليس كمثله شی» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۳۷۶) اگر روایت مخالف قرآن باشد، آن را تکذیب می کنیم. آن چیزی که مورد اتفاق همه مسلمان هاست، این است که «لا يحيطو به علما» (طه/ ۱۱۰)، علم انسان نمی تواند احاطه به خدا داشته باشد، «لا تدرکه الابصار» (انعام/ ۱۰۳)، او را جسم های ظاهری درک نمی کنند، «ليس كمثله شی» (شوری/ ۱۱۰)، هیچ چیزی مانند او نیست.

از این روایت، معلوم می شود که حضرت در مناظرات خود، مقید به محوریت قرآن بوده اند و روایاتی را که بر خلاف قرآن بوده، نمی پذیرفتند و بلکه آنها را تکذیب می کردند.

۳-۳) سبک عرفی

یکی از سبک هایی که در مناظرات استفاده می شود، مناظره به سبک و سیاق عرفی یا موعظه یا خطابه است، در این روش سعی می شود که از شیوه ها و راهکارهایی برای غلبه بر طرف مقابل استفاده شود که جنبه پند اندرز دارد، یعنی همان روشی که همیشه در وهله اول برای اقناع یک نفر انجام می دهیم، مناظره خطابی مناظره ای است که در آن

از قضایای اقناعی استفاده می شود، شیخ محمد رضا مظفر (ره) می فرماید: «انها صناعة علمیه بسببها یمكن اقناع الجمهور فی الامر الذی یتوقع حصول التصدیق به بقدر الامکان» (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۳۶۹) خطابه صنعتی است علمی که به سبب آن می توان عموم مردم را در امری که توقع حصول تصدیق به آن است، به مقدار امکان قانع نمود.

چنانچه خواجه نصیر الدین طوسی در ذیل آیه شریفه «ادع إلى سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظۃ الحسنۃ و جادلهم بالتی هی أحسن» (نحل/ ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آن ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن، نقل کرده است که مقصود از حکمت، برهان می باشد و مراد از موعظه حسنه، خطابه، و مقصود از «جادلهم» جدل است. (طوسی، بی تا، ص، ۵۳۰)

اگر هدف خطابه و به اصطلاح قرآن، موعظه این است که طرف مقابل در هر موضوعی که گفتگو و بحث می کند، باید در آخر گفتگو قانع شود، همه مناظرات و خطبه های امام رضا(ع) تحت این صنعت قرار می گیرند؛ چون هیچ مجلس و مناظره ای بین حضرت و دیگری رخ نداد؛ مگر اینکه در پایان، طرف مقابل آن حضرت، نسبت به استدلال آن حضرت قانع شده است، هر چند که عناد قلبی مانع اظهار آن شده باشد، ولی حقیقتا همه افرادی که با آن حضرت مناظره انجام داده یا گفتگو و بحثی را انجام داده اند، بالاخره قانع شده اند و برتری آن حضرت را قبول داشته اند.

از جمله بیان جاثلیق در این مورد بهترین دلیل می باشد و آن اینکه وقتی حضرت امام رضا (ع) از او سؤال کردند: ای نصرانی: انجیل که بر عیسی نازل شده بود، چه زمانی گم شد و نزد چه کسانی آن را یافتید و چه کسی این انجیل جدید را برای شما نوشت؟

وی پاسخ داد: انجیل تنها یک روز گم شده بود و یوحنا و متی آن را بیرون آوردند؛ در حالی که دست نخورده بود، امام (ع) فرمودند: چقدر نسبت به تاریخ انجیل و دانشمندان آن بی اطلاع هستی؟ اگر آنچه که تو می گویی درست باشد، پس چرا درباره انجیل اختلاف وجود دارد؟ اگر انجیل یافته شده، انجیل اول بود، نباید درباره آن، این قدر اختلاف می کردید. حال من این اطلاعات را در اختیار تو قرار می دهم.

امام(ع) در ادامه فرمودند: چون انجیل اول گم شد، مسیحیان نزد علما جمع شدند و به آنان گفتند: عیسی بن مریم کشته شد و انجیل گم شد و شما دانشمندان ما هستید؛ آیا چیزی پیش شما هست؟ لوقا و مرقسی گفتند: انجیل در سینه ماست و ما در هریکشنه بخشی از آن را برای شما می خوانیم، تا اینکه همه اش جمع آوری شود. بر این اساس، لوقا و مرقانوس و یوحنا و متی نشستند و این انجیل ها را نوشتند.

وقتی جاثلیق به این اطلاعات توسط امام(ع) رهنمون شد، گفت: تاکنون چنین اطلاعاتی درباره انجیل نداشتیم و اکنون این اطلاعات را یافتیم، اکنون وسعت اطلاعات شما نسبت به انجیل برایم روشن شد، قلمم گواهی می دهد که اینها حق است. (طبرسی، ۱۴۰۳، ص، ۴۱۱-۴۱۲)

این مناظره نشان می دهد که بیان حضرت امام رضا(ع) همه آن صفاتی را که باید یک خطابه داشته باشد، داراست و به لحاظ هدفی که در آن دنبال می شد، خصم تسلیم استدلال آن حضرت شد و نه تنها قانع شد، بلکه آن را به صراحت اعلام کرد؛ که من چنین اطلاعاتی پیش از این نداشتیم؛ یعنی جاهل بودم و به برتری علمی آن حضرت، اعتراف نمود.

۴) آداب مناظره در سیره امام رضا (ع)

از سخنان مرحوم ابوعلی سینا، استفاده می شود، که هدف از مناظره، مشاجره یا مجادله یا تحقیر و فریب دادن طرف مخالف نیست، زیرا در مناظره دو طرف که عقیده متضاد دارند و با یکدیگر مناظره و گفت گو می کنند، قصد فریفتن همدیگر را نداشته، بلکه هدف و غرض اصلی آنها کشف حقیقت و واقع است و به محض این که حقیقت روشن شود، طرف مخالف آن را می پذیرد. (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۱، صص، ۱۵-۱۶)

۴-۱) رعایت ادب و احترام

امام رضا (ع) در مناظرات خود نهایت ادب و احترام را برای طرف مقابل قائل بودند و از برخورد اسلامی و قرآنی برای جذب اخلاقی مخالف استفاده می کردند، همیشه وقت سران مخالفین از لحاظ اخلاقی تحت تاثیر امام رضا (ع) قرار می گرفت و مدح ایشان را می کرد، این گونه رفتارها در سیره تمام امامان (ع) دیده می شود، مالک می گوید که من هرگاه من بر امام صادق(ع) وارد می شدم، ایشان با من گرم می گرفت و مرا در جای خوبی می نشاند. مالک همچنین در سفر حجی با امام صادق(ع) بود و حالات عرفانی ایشان را پس از این سفر برای دیگران توضیح داد.

رعایت احترام در مناظرات امام رضا(ع) نیز مشهود است: در مناظره امام رضا (ع) با سلیمان مروزی، وقتی که حضرت با بیان قاطع، دلایل سلیمان را رد نمودند و تناقض گویی وی آشکار شد، همه حاضران در جلسه و از جمله مأمون خندیدند، ولی امام(ع) از مردم خواستند که نسبت به سلیمان رفق و مدارا و ملایمت به خرج دهند. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۳) علاوه بر این امام(ع) در مناظره فرصت را در اختیار طرف مقابل خویش می گذاشت و با تکریم و احترام اجازه می داد تا سؤالات خود را

پرسد و حتی خود ایشان گاهی بر فهم مطلب تأکید نموده و می فرمود: «باز سؤال را ادامه بده» صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۹

۴-۲) حفظ جایگاه علمی طرف مقابل

فعالیت های فرهنگی و علمی امام رضا(ع) برای شناساندن بهتر معارف دینی، از بارزترین و روشن ترین برگ های تاریخ زندگی آن امام (ع) است. بنا به گزارشات تاریخی حجم زیادی از فعالیت های فرهنگی امام رضا (ع) در قالب مناظرات و مباحثه های ایشان با پیروان ادیان و مکاتب دیگر صورت گرفته است. گذشته از مناظرات، از امام رضا (ع) روایات و احادیث فراوانی در زمینه های مختلف علوم و معارف اسلامی و شیعی، مانند اعتقادات، اخلاق و رفتار، معنویت، علم و دانش، فقه، اصول و اقتصاد و پزشکی برای ما به یادگار مانده است که گنجینه ای گرانبهاست.

حضرت امام رضا(ع) با عنوان «عالم آل محمد» و با توانایی علمی در زمینه های گوناگون علمی و مذهبی برخوردار بود، به طوری که هر اقدام و موضع گیری ایشان در زمینه مسائل علمی، منشا اثر و تحول در آن حوزه می باشد. چنانچه امام رضا(ع) خود می فرمود: «در حرم پیامبر (ص) می نشستیم و عالمان مدینه هرگاه در مساله ای با مشکل مواجه می شدند و از حل آن ناتوان می ماندند، به من رو می آوردند و پاسخ می گرفتند.» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۵۷).

۴-۳) توجه به شأنت و جایگاه اجتماعی افراد

امام صادق (علیه السلام) و امام رضا (ع) در مناظرات خود که با طبقات مختلف جامعه انجام داده اند، همواره جایگاه اجتماعی و طبقه ای که با آن مناظره می کردند را مدنظر خویش داشتند و پیوسته با هر طبقه با زبان حال آن طبقه سخن می گفتند.

پرهیز از جمود فکری و تعصب بی جا در برخورد با طبقات مختلف جامعه از بارزترین خصلت هایی است که در بین صدها خصلت اخلاقی و دینی مناظرات این دو امام بزرگوار می توان یافت.

این خصلت اخلاقی تنها شامل افراد یک جامعه نمی شود بلکه این دو امام بزرگوار برای پیروان سایر ادیان نیز شأن و مرتبه اجتماعی قائل بودند و بر این باور بودند که هر شخصی از هر دین و مذهبی شأن و احترام اجتماعی خاص خود را دارد.

یاسر خدمتگزار امام رضا (ع) می گوید: از نیشابور نامه ای به مأمون رسید با این مضمون که مردی زرتشتی هنگام مرگ وصیت کرده ثروت زیادی را که از او باقی مانده میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند، قاضی نیشابوری آن اموال را میان فقرا و

بینوایان تقسیم کرده است، مامون به امام رضا(ع) گفت: سرور من در این موضوع چه می‌فرمایید؟ امام رضا (ع) پاسخ داد: «زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار مالیات از مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتی بدهد» (صدوق، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۸۲)

نتیجه‌گیری

تحقیق و بررسی ها انجام شده نشان می دهد، همان گونه که هدف اصلی تمامی انبیاء دعوت به توحید و ارتقای سطح آگاهی و شناخت بشر بوده است، هدف اصلی امام رضا (ع) هم در تمام مناظراتی که داشته اند، دعوت به توحید و هدایت طرف های مخالف بوده است، امام در راستای این هدف مهم از روش های مختلف عقلی، نقلی استفاده کرده اند، این روش ها در سیره مناظراتی حضرت مشاهده می شود، دغدغه ایشان فقط بالا بردن سطح آگاهی و شناخت طرف مخالف و هدایت آنها بوده است و هیچ گاه به دنبال مغلوب و محکوم کردن مخالفین نبوده اند، ایشان از یک سو در مناظرات خود نهایت ادب و احترام را برای طرف مقابل قائل بودند و از برخورد اسلامی و قرآنی برای جذب طرف مخالف استفاده می کردند و از سوی دیگر باتوجه به توانای علمی که در حوزه های مختلف داشتند هیچ گاه موقعیت و جایگاه علمی طرف های مخالف نادیده نمی گرفتند، احاطه و تسلط بر آیات و اخبار و استدلال به آنها، آگاهی از همه ادیان و مکاتب، استفاده از براهین عقلی، بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه، احترام و تکریم طرف مقابل، رعایت انصاف و سفارش به آن و سعه صدر و آرامش در مناظره از جمله روش‌های امام (ع) در مناظرات است، بنا بر این سعه صدر، روحیه تساهل و تسامح و اخلاق مداری مهمترین علت پیروزی امام رضا (ع) بوده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، بیروت : دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۵ م.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، چاپ اول، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- بوعلی سینا، حسین بن عبدالله، الشفاء (منطق)، ج ۱، به کوشش احمد فؤاد اهلوانی، قاهره، وزاره التربیه و التعليم، ۱۳۷۵ ق.
- حسینی، میروصفی، سیده فاطمه، شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق(ع)، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۴.
- جوادی آملی، عبدالله، قرآن کریم از منظر امام رضا(ع)، ج ۳، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- دهخدا، علی اکبر، موسسه دهخدا، تهران، بی تا.
- روح الله، عالمی، تهران، نشر کتاب های درسی، ۱۳۸۹، ش.
- سپنجی، امیر عبد الرضا، اقناع و تغیر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم، مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا (ع) فصلنامه دین و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۴۰، ۱۳۹۰، ش.

- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، ج ۱، قم، ۱۳۶۲، ش.
- شهید ثانی، منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، بی جا، ۹۵۴، ق.
- صدوق، محمد بن بابویه، عیون اخبار الرضا تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸، ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل الجاح، ج ۱، چاپ سوم، مشهد: نشر مرتضوی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۹ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج ۱، چاپ اول، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- محمد علی، آذرشب، تحلیل گفتمان، احتجاجات و مناظرات امام صادق (ع) ۱۳۸۲، ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مجیدی، حسن، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۷۱، ۱۳۹۶، ش.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، نشر صدرا، ۱۳۹۵ش.
- مظفر، محمد رضا، المنطق، ج ۱، چاپ دوم، قم: موسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۸ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۴.